

بررسی توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم

علی غضنفری*

استادیار دانشگاه علوم معارف قرآن کریم تهران

باب اله محمدی نبی کندی**

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم معارف قرآن کریم تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۰۸/۱۲، تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۱۹)

چکیده

مقاله حاضر به بحث پیرامون توسعه اقتصادی در قرآن کریم می‌پردازد. در این مقاله ابتدا به تعاریف لغوی توسعه و مفهوم توسعه اقتصادی، از نگاه دانشمندان، اسلام و قرآن پرداخته شده است و سپس راه کارهایی را که قرآن در زمینه توسعه اقتصادی ارائه داده است و به دو دسته معنوی و مادی (مانند تأثیر تقوی در توسعه اقتصادی، انفاق، نفی ربا به عنوان عامل منفی در توسعه اقتصادی و...) تقسیم می‌شود، مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد. آنچه پس از بررسی و تحقیق در این مقاله به دست می‌آید، این است که توسعه اقتصادی بستگی به افراد جامعه دارد که بتوانند با توجه به تفاسیر ارائه شده از قرآن و داشتن ایمان و اعتقاد به خدا و کتاب وحی آنها را در زندگی و جامعه خود به کار گیرند تا در تمام مراحل زندگی به موفقیت دست پیدا کنند و این رشد و توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که جوامع اسلامی متکی به خود باشند.

کلید واژه‌ها: قرآن، اقتصاد، توسعه، اسلام، توسعه اقتصاد.

*. Email: qazanfary@gmail.com

** Email: babbavba@yahoo.com

مقدمه

تاریخ طرح مفهوم توسعه شاید به قدمت تاریخ جامعه بشری باشد، اما طرح توسعه به مفهوم علمی آن، به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. دو دلیل برای این مدعا قابل ذکر است: یکی نیاز به بازسازی کشورهای آسیب دیده در جنگ و دیگری آگاهی کشورهای توسعه نیافته از عقب ماندگی خود از توسعه اقتصاد جهانی (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱).

امروزه کسی مخالف توسعه به معنای بهبود وضع رفاه اقتصادی مردم نیست؛ اما بعد از دانستن هدف آفرینش انسان و تعریف خوش‌بختی و سعادت واقعی انسان و جایگاه واقعی انسان در نظام خلقت، در می‌یابیم که توسعه اقتصادی نمی‌تواند هدف نهایی از دیدگاه اسلامی باشد، بلکه هدفی متوسط است. به این معنا که توسعه وسیله و ابزاری است که اگر در راه رسیدن انسان به فضایل و مکارم اخلاقی و پیمودن مسیر قرب الهی به کار گرفته شود، پذیرفتنی است و تامین رفاه مادی انسان در حدی معقول، مقدمه‌ای برای هدف مذکور باشد (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۴: ۴۵).

اسلام هیچ گاه نمی‌خواهد مسلمانان خوار و زبون و گرسنه باشند. همچنان که امام (ع) می‌فرماید: ثروت و بی‌نیازی در غربت سرافرازی است و فقر در وطن غربت و سرافکنندگی است (نهج البلاغه: ۴۵۳). اسلام در فکر این است که بتواند از راه مشروع، زمینه‌های لازم را برای پیشرفت انسان‌ها تأمین نماید. لذا کار کردن، تولید ثروت، مالک ثروت شدن و ثروت را در راه خدا صرف کردن یک مسأله است، و دلبستگی به مال دنیا و اهمیت دادن به دنیا در مقابل آخرت مسأله‌ای دیگر است. تفاوت اساسی توسعه اقتصاد اسلامی با سایر مکاتب اقتصادی در این است که توسعه اقتصاد اسلامی مبتنی بر وحی است، در حالی که نظریه‌پردازان اقتصاد سرمایه‌داری حول محورهای سود و رفاه مادی می‌چرخند. این مقاله به دنبال تبیین دو مسأله کلی است:

الف) راه کارهایی را که قرآن برای توسعه اقتصادی بیان کرده است کدامند؟

ب) رشد و توسعه اقتصادی در چه زمانی رخ می‌دهد؟

مفهوم توسعه

معنای لغوی کلمه توسعه، گسترش و بهبود است. توسعه مفهومی کیفی است و قابل بیان به عدد و رقم نیست (نظری و موسوی، ۱۳۷۸: ۱۲). مفهوم دیگری که از توسعه به کار رفته، درونزا بودن توسعه است. بدین معنی که توسعه باید از درون جامعه آغاز شود. خداوند می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد: ۱۱)؛ یعنی همانا خداوند بر هیچ گروهی آنچه را دارند (از نعمت و رفاه یا بلا و سختی) تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را در خود دارند (از ایمان و کفر یا طاعت و فسق) تغییر دهند. همچنین مفهوم توسعه را چنین بیان کرده‌اند: فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه و پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بی‌کاری و نابرابری (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۰۴). مایکل تودارو این واژه را چنین تعریف کرده است: فرایندی است که طی آن تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و فقر، نابرابری اقتصادی و بی‌کاری کاهش پیدا می‌کند و رفاه همگانی نسبی به وجود می‌آید و این امر از طریق سرمایه‌گذاری و تغییر و تحول در مبانی علمی- فنی تولید حاصل می‌شود (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

تعریف توسعه و توسعه اقتصادی از نگاه دانشمندان

از نظر پروفسور جرالدمایر، توسعه فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طولانی افزایش یابد (مایر، بی‌تا: ۳۵).
از نظر میلتن فریدمن، توسعه عبارتست از یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی (Friedmann, 1972: 180).
نظر پروفسور گونار میردال این است که توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک دست سیستم اجتماعی به سمت جلو که با توجه به این حرکت تغییرات در سطح زندگی مردم به وجود آورد (Gunnar, 1975: 184).
هگینز توسعه اقتصادی را فرآیندی می‌داند که طی آن اقتصاد از یک دوگانگی (بخش سنتی و مدرن) به یک اقتصاد مدرن می‌رسد (طاهری، ۱۳۷۸: ۱۲).

تعریف توسعه اقتصادی از نگاه اسلام

آنچه مناسب است از دیدگاه اسلامی و با توجه به جهان‌بینی اسلام درباره تعریف توسعه اقتصادی آورده شود این است که توسعه اقتصادی، جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته، از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تأمین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان، استفاده بهینه صورت گیرد (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۶).

بهترین راه کسب روزی

هر چند از دیدگاه قرآن، روزی همه موجودات از جانب خداوند، تضمین شده است و خدا می‌فرماید: هیچ جنینده‌ای در روی زمین نیست، مگر آن که روزی او بر عهده خداست و [خداست که] جای و مکانش را می‌داند؛ زیرا همه، در کتاب مبین آمده است (هود: ۶)، اما در عین حال، تأکید می‌کند که خداوند، روز را برای کسب روزی قرار داده است (ر.ک. نبأ: ۱۱) و بهترین راه کسب روزی را بر اساس کار و تلاش شخصی افراد می‌داند: و این که برای انسان، جز آنچه تلاش کرده، چیزی نیست... (نجم: ۳۹) و از رشوه‌گیری (ر.ک. بقره: ۱۸۸) و رباخواری و کسب درآمد از راه استثمار دیگران، به شدت نهی می‌کند و می‌فرماید: ... خداوند، داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است... (بقره: ۲۷۵).

خداوند، ایجاد گشایش مالی در زندگی انسان‌ها را در گرو تقوا می‌داند و می‌فرماید: ... و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او در کارهایش راه نجاتی فراهم می‌کند و او را از راهی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد (طلاق: ۲-۳) و در مقابل، بی‌ایمانی و رواج فساد و گناه در جامعه را سبب قطع برکات از جانب خداوند و نازل شدن بلاها بر آن جامعه می‌داند (ر.ک. روم: ۴۱).

امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند، نان (روزی) را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش، به دست نیاید تا انسان، به کاری مشغول گردد و از پیامدهای بیکاری و گستاخی رفاه‌زدگی و بیهودگی بازماند (مجلسی، بی‌تا، ج ۳: ۸۷). ایشان، همچنین فرموده است: اگر هر چه مردم بدان نیاز داشتند، در اختیارشان

قرار می‌گرفت، نه زندگی در کامشان گوارا بود و نه لذتی از آن می‌بردند. . . (حکیمی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۹۳-۲۹۲).

راه کارهایی را که قرآن در جهت توسعه اقتصادی لحاظ کرده، به دو دسته معنوی و مادی تقسیم می‌شود که ابتدا عوامل معنوی را دسته بندی و شرح می‌دهیم و سپس به عوامل مادی می‌پردازیم.

۱- عوامل معنوی توسعه اقتصادی

این بیان فقط مخصوص قرآن کریم است که از دیدگاه وحیانی این دیدگاه را بیان نموده است و به اهمیت این عوامل در رسیدن به توسعه اقتصادی تصریح کرده است.

۱-۱- تأثیر تقوا در توسعه اقتصادی

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. . .» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته، زیرا برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود. البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گر نه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۲۱۰).

در ادامه آیه، علت بسته شدن درهای اقتصاد را این چنین بیان می‌کند: آنها پیامبران را تکذیب کردند و ما آنها را به کیفر معصیت‌ها و مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران گرفتار و باران را از آنها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آنها دریغ داشتیم (طبرسی، ۱۳۲۷، ج ۴: ۶۹۹).

"برکات" جمع "برکت" است، این کلمه در اصل به معنی "ثبات" و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌گردد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۹). قابل توجه اینکه ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود. فی المثل امروز ملاحظه می‌کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر "مسابقه تسلیحاتی" و ساختن سلاح‌های نابود کننده صرف می‌گردد، اینها مواهبی هستند فاقد هر گونه برکت، به زودی از میان می‌روند و نه تنها نتیجه‌ای نخواهند داشت، بلکه ویرانی هم به بار می‌آورند. ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آنها در می‌آید و طبعا آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود که به مرور زمان این‌ها موجب توسعه اقتصادی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۶۷). شک نیست که در محیط مردم مؤمن و با تقوی توجه به معنویت و ارزش‌های الهی که افکار جامعه را به خود معطوف کرده، عامل مؤثری در خودداری از احتکار و ذخیره مواد غذایی و ترجیح خود بر دیگران است و باعث می‌شود مردم قسمتی از مال خود را به عنوان کمک در اختیار دیگران قرار دهند و این اراده قوی باعث می‌شود که سستی و تنبلی نتواند آن جامعه را متزلزل نماید و همه باهم در اقتصاد جامعه و پویایی رشد آن بکوشند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

۱-۲- انفاق

انفاق مصدر باب افعال از ریشه نفق می‌باشد. به معنای ادای بخشی از آنچه خدا به انسان روزی کرده در راه خدا، است چه به عنوان زکات که واجب است و چه به عنوان صدقه که مستحب است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۳۱۲).

از جمله اعمال نیکی که برای خشنودی پروردگار انجام می‌یابد، انفاق مال است که علاوه بر این که از هرگونه خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌نماید، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید خداوند متعال خواهد شد، و می‌تواند یکی

از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب قرآن کریم باشد. همچنانکه می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ ... وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱)؛ مَثَلِ [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است. . و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.

این مثل در امثال ذرت و آفتابگردان و نظیر آنها وقوع خارجی دارد که واقعا یک دانه مبدل به هفتصد دانه بلکه بیشتر می‌شود، در سنبل گندم تا ۸۰ دانه شمرده شده است، سبیل الله یک معنای وسیعی است و نمی‌شود آن را به جهاد منحصر کرد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۴۷). حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر جمله (وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) می‌فرماید: هرگاه بنده مؤمن احسانی بکند، خدای مهربان (ثواب) هر حسنه‌ای را که انجام می‌دهد هفتصد برابر قرار خواهد داد (قرشی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۴۹۹).

انفاق به دو دسته انفاق واجب و مستحب دسته بندی می‌شود (غضنفری، ۱۳۸۲؛ ۱: ۱۹۷: ۱۸۷). در این قسمت پس از بررسی تاثیر انفاق بر توزیع درآمد به دلیل اهمیت انفاق واجب بررسی آن می‌پردازیم و از شرح انفاق مستحبی خودداری می‌نماییم.

۱-۲- چگونگی تأثیر انفاق بر توزیع درآمد

دایره انفاق اسلامی آنقدر گسترده است که همه فعالیت‌های اقتصادی را پوشش می‌دهد. بنابراین به صورت منبع قابل اعتنایی برای تأمین اجتماعی تلقی می‌شوند. افراد فقیر از پرداخت انفاق‌های واجب معاف هستند و هیچ گونه الزامی برای پرداخت انفاق‌های مستحب نیز ندارند و نوعا شاید نتوانند انفاق‌های مستحب را بپردازند.

بنابراین طبقه ثروتمند و متوسط به بالا، مشمول پرداخت این انفاق‌ها هستند که این به تعدیل توزیع ثروت و درآمد کمک می‌کند. از آن مهم تر نرخ مالیات، که مأخذش بخشی از زکات است و خمس ارباح مکاسب با فرض مثبت رابطه میل نهایی به مصرف درآمد ملی، تصاعدی خواهد بود و این به توزیع درآمد کمک خواهد کرد.

۱-۳-۱- انفاق واجب

«وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنِ آتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَيْنَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» (توبه: ۷۶-۷۵). و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند. و به حال اعراض روی برتافتند.

این دو آیه بیان ردائل بعض منافقان است که با پروردگار عهد و پیمان بستند، چنانچه به آنان مال بسیار موهبت فرماید و صدقه و زکات واجب آن را به مستحقان ادا نمایند و از جمله نیکوکاران شوند. پس از آنکه پروردگار از فضل خود اموالی را نصیب آنها فرمود، بخل ورزیده و از عهد خود و اداء حقوق واجب آن اموال خودداری و امتناع نمودند: نتیجه این تخلف از عهد و امتناع از اداء حقوق واجبه آنست که نفاق و تکذیب در قلوب آنان پدید می‌آید (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۷۳).

اقسام انفاق واجب

۱-۳-۱-۱- زکات

در قرآن زکات به موارد مختلف اعم از انفاقات واجب و مستحب اطلاق شده است و نقش آن در توزیع ثروت بر کسی پوشیده نیست که خود این تعدیل، موجب توسعه اقتصادی می‌شود و خداوند آن را در آیات متعدد کنار نماز قرار داده است و پرداخت آن را دلیل بر تقوی شمرده است. «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ

ارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ» (بقره: ۴۳)؛ و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

«وَأَتُوا الزَّكَاةَ» معطوف و امر ایجابی و مصدر آن ایتاء به معنی پرداخت مقداری از مال به بینوایان است. «الزکاه» اسم مصدر به معنی نمو و رشد و به طور مجاز بر سبب آن اطلاق می‌شود، زیرا اساس اصلاحات اجتماعی و انتظام امور زندگانی جامعه ایمان و مواسات طبقات مختلفه با یکدیگر و شرکت بینوایان در سهمی از عوائد اموال ثروتمندان می‌باشد و کوتاهی در انجام این وظیفه اصلاحی سبب انحطاط اخلاقی و اختلال نظام زندگانی عموم طبقات اهل ایمان و تفرقه آنها از یکدیگر خواهد گردید (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۲۹۲). باید توجه داشت که: این دو عبادت (نماز و زکات) جامع‌ترین و بزرگ‌ترین برنامه برای انجام بندگی است. نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال است، اگر با شرائط ظاهری و معنوی صورت بگیرد. زکات نیز برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع ابتلائات فقراء و مستضعفین و تهیة وسائل زندگی آنان است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۳).

زکات می‌تواند دو اثر متقابل بر پس‌اندازهای خصوصی و سرمایه‌گذاری داشته باشد. گرفتن زکات سالانه از پس‌اندازهای خالصی (یا ثروت خالصی) که بیش از حد نصاب است. احتمالاً میل به مصرف را تقویت خواهد کرد. فرد پس‌اندازکننده ممکن است از خرج‌های گزاف رضایت بیشتری بدست آورد تا بدین وسیله از پرداخت زکات سالانه که پس‌انداز خالص او را کاهش می‌دهد، خودداری کند. بنابراین تابع مصرف به سمت بالا منتقل می‌شود (هر چند اصل حرمت اسراف تا حدودی جلوی برخی مصارف بالا را می‌گیرد).

اما زکات ممکن است عکس‌العملی کاملاً متفاوت در او به وجود آورد. ممکن است او برای جلوگیری از کاهش تدریجی ثروتش، ثروت خود را به منابع فعال واقعی تبدیل کند، همچنین ممکن است تمایل او به سرمایه‌گذاری افزایش یابد (Kahf, 124: 1973).

زکات یک نهاد فقهی بسیار مهم فرهنگ اسلامی است که در قرآن و روایات بدان تصریح شده و از ضروریات دین اسلام است و در تعالیم اسلامی بر هیچ مالیاتی جز

زکات و خمس، بدین صورت تأکید نشده است. به طور کلی، راه جبران درماندگی‌های اقتصادی افراد و چالش‌های حکومت اسلامی و از مهمترین راه‌های درآمد امام مسلمان‌ها و حکومت، خمس و زکات دانسته شده است و با وجود کفایت آن، راه اخذ سایر مالیات‌ها بر حکومت اسلامی بسته شده است.

۱-۳-۱-۲- خمس

خمس، در فرهنگ لغت به معنای یک پنجم و جمع آن اخماس است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۶: ۷۰). و قابل ذکر است که از مجموعه تعاریف فقها پیرامون واژه خمس، نکات ذیل به دست می‌آید:

الف) خمس یکی از واجبات مسلم و ضروریات دین، مانند نماز و روزه است.
ب) خمس برای بنی هاشم یک حق مالی است که به احترام به جای زکات، به ایشان داده می‌شود.

ج) خمس فقط به فرزندان بنی هاشم داده می‌شود.

د) خمس واجبی است که از قرآن، سنت و از اجماع ثابت است. (محمدبن مکی، ۱۴۱۲: ۲۵۸).

اهمیت خمس

خمس یکی از فرایض اسلامی است. قرآن مجید در بیان اهمیت آن، ایمان را با آن پیوند داده است: «واعلموا أنّما غنمتم منّ شیء فأنّ اللّٰه خمسّه وللرّسول ولذی القربى والیتامی والمساکین وابن السّبیل إنّ کنتم آمنتم باللّٰه...» (انفال، ۴۱). و ای گروه مؤمنین بدانید آنچه غنیمت و فایده بدست آوردید، پس محققا برای خدا پنج یک است، برای رسول و برای ذوی القربی که ائمه علیهم السلام باشند و یتیمان و فقراء و ابن سبیل‌های سادات. البته اگر شما به خدا و به آنچه ما نازل کردیم بر بنده خود ایمان آورده باشید (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۴۵). روایات بسیاری در مورد اهمیت پرداخت خمس در منابع حدیثی آمده است. از جمله اینکه:

- ۱- ابی بصیر می گوید: من به امام جعفر صادق (ع) عرض کردم: آسان ترین چیزی که انسان را جهنمی می کند چه است؟ امام فرمود: «من اکل مال الیتیم درهماً و نحن الیتیم»؛ هر کس مال یتیمی را بخورد و ما یتیم هستیم (همان: ۴۸۳).
- ۲- امام باقر (ع)، فرمود: «لایحل لاحد ان یشتری من الخمس شیئاً حتی یصل الینا حقنا»؛ برای هیچ کس جایز نیست از مالی که خمس به آن تعلق گرفته، چیزی بخرد، مگر اینکه حق ما را به ما برساند. (حرعاملی، بی تا، ج ۶: ۴۸۲).

۱-۴- نفی رشوه یکی از عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی

در کتاب مجمع البحرین گفته شده است: رشوه غالباً در اعطای چیزی به منظور ابطال حقی و یا احیای باطلی به کار برده می شود (طریحی، ۱۳۷۵، ذیل باب الرشوه). جعفر لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق راجع به واژه رشوه این طور می نویسد:

رشوه دادن مالی است که به مامور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضائی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی داده می شود. دیگر آن را بگیرد (این شخص واسطه را در فقه رایش گویند و دهنده مال را راشی نامند و گیرنده مال را مرتشی خوانند) فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته داشته باشد یا خیر و فرق نمی کند که کاری که برای راشی باید انجام شود حق او باشد (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۳۵).

در اسلام رشوه دهنده و رشوه گیرنده به شدت محکوم و مستحق آتش معرفی شده اند و پولی که از این راه تحصیل می شود حرام و نارواست. یکی از بلاهای بزرگی که از قدیم ترین زمان ها دامنگیر بشر شده و امروز با شدت بیشتر ادامه دارد، بلای رشوه خواری است که یکی از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی بوده و باعث فقر در جامعه شده است. قرآن در آیه ۱۸۸ سوره بقره مساله رشوه را به عنوان امر ناپهنجار در حوزه عمل اجتماعی مطرح می سازد. از نظر قرآن اموری که موجب می شود تا شخصی

به پرداخت رشوه اقدام کند نمی‌تواند امری هنجاری و قانونی باشد و در اصل شخص می‌کوشد تا با رشوه دادن، قانون را دور بزند و یا مجریان را به اعمال ضدقانونی وادار کرده و بدان سو بکشانند. مهم‌ترین عاملی که موجب می‌شود تا شخص رشوه دهد امور مالی و کسب درآمدهای نامشروع است.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸)؛ و دارایی‌های همدیگر را میان خود به نادرستی مخورید و آنها را (با رشوه) به سوی داوران سرازیر نکنید تا بخشی از دارایی‌های مردم را آگاهانه به حرام بخورید. این آیه اشاره به یک اصل کلی و مهم اسلامی دارد که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است. مراد این است که اموال به عنوان رشوه به قاضی‌ها و فرمانروایان داده شود تا در دادگاه‌ها به نفع آنها رأی دهند و بدان وسیله اموال دیگران را تصاحب نمایند، علت تعبیر با «تدلوا» شاید آن باشد که رشوه دادن مثل فرستادن دلو به چاه است برای آب کشیدن چنان که در «آلاء الرحمن» گفته شده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۴۶).

۱-۵- ربا به عنوان عامل منفی در توسعه اقتصادی

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...» (۲۷۵: بقره)؛ کسانی که ربا می‌خورند، [از گور] برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرس کرده است...

ربا از کلمه ربو گرفته شده است. یعنی بیش از آنچه که داد گرفت، آن چیز را افزون کرد (مهیار، بی تا: ۳۸).

به دنبال بحث درباره انفاق در راه خدا و بذل مال برای حمایت از نیازمندان در این آیات از مساله رباخواری که درست بر ضد انفاق است، سخن می‌گوید، زیرا رباخواری موجب افزایش فقر در جامعه و تراکم ثروت در دست عده‌ای محدود و محرومیت اکثر افراد اجتماع است. انفاق سبب پاکی دل و طهارت

نفوس و آرامش جامعه، و رباخواری سبب پیدایش بخل و کینه و نفرت و ناپاکی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۶۴-۳۶۵). افراد کوتاه بین ممکن است گمان کنند که ثروت به وسیله رباخواری زیاد می‌شود، اما در پیشگاه خداوند چیزی بر آن افزوده نخواهد شد (همان)، و این خود باعث فقر اقتصاد جامعه خواهد شد.

اگر کسی به رباخواری که به شدت از طرف ذات اقدس پروردگار تحریم گردیده است، مشغول گردد، باید این را در نظر داشته باشد که دیر یا زود اموالی را که از این راه به دست آورده از دست خواهد داد و خود او را نیز در این راه به نابودی خواهد کشید، چرا که خداوند وعده فرموده است که سود ربا را نابود می‌گرداند که ربا جز لعنت و شقاوت در دنیا و آخرت سودی ندارد: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ...» (بقره: ۲۷۶). خداوند ربا را نابود می‌کند (برکت مال ربوی را می‌برد) و برکت صدقات را فزونی می‌بخشد.

۱-۵-۱- عقوبت ربا در گفتار معصومین (علیهم السلام)

برای آنکه قباحت امر ربا بیشتر آشکار شود، جا دارد که در اینجا چند روایت از معصومین (علیهم السلام) را نقل نمایم که یکی از آنها نیز برای عبرت هر مسلمانی کفایت می‌کند. از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که پیامبر اکرم (ص) در سفارش خود به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: یا علی یک درهم ربا از نظر گناه و شدت عقوبت بزرگتر است از اینکه کسی هفتاد مرتبه با محرم خود در خانه کعبه زنا کند (حر عاملی، ج ۱۲، بی تا: ۴۲۶). از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منقول است که فرمودند: شب معراج دیدم جمعی را که هر چه می‌خواستند برخیزند از بزرگی شکم‌هایشان، نمی‌توانستند و گفتند ما در دنیا از رباخواران بودیم (مجلسی، ۱۳۶۶: ۱۲).

۱-۵-۲- نمونه‌ای از اثرات مخرب رباخواری در یک جامعه

اگر رباخواری در جامعه‌ای مرسوم گردد، آن جامعه را به نابودی می‌کشاند، به طوری که می‌توان به اختصار به دو اثر آن در جامعه اشاره نمود: سنت و دستور حسنه

(قرض الحسنه) که خداوند و ائمه معصومین (علیهم السلام) به آن دستور داده‌اند از بین می‌رود و هیچ کس بدون سود به نیازمندی پول قرض نمی‌دهد و در نتیجه حرام خواری در بین افراد رواج می‌یابد.

۱-۶- اقامه قسط

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵)؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...

ابن‌زید و جبائی و مقاتل بن سلیمان گویند یعنی با ایشان از آسمان ترازویی را نازل کردیم که دارای دو کفه است و با آن سنجیده می‌شود و بعضی گویند: یعنی صفت میزان را نازل کردیم. (لِيَقُومَ النَّاسُ) تا آنکه مردم در معاملاتشان قیام (بِالْقِسْطِ) کنند یعنی به عدل داد و ستد کنند (طبرسی، ج ۹: ۳۶۳).

این آیه زینت بخش قانون اساسی جمهوری اسلامی شده است و به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند ۹ از اصل ۳) تأکید شده است (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۱). از جمله یکسان بودن زن و مرد از لحاظ قانونی (اصل ۲۰) و ایجاد شرایط مساوی کار و اشتغال (اصل ۲۷) که اینها باعث توسعه اقتصاد خواهد شد (همان). یعنی هر گاه قیام به قسط صورت گیرد و جوامع بشری در تولید و توزیع و مصرف به حق و عدالت عمل کنند، ریشه فقر و گرسنگی از آن جامعه کنده خواهد شد و اقتصادی پویا در آن جامعه خواهیم دید (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۴).

۲- عوامل مادی توسعه اقتصادی

عوامل مادی در این مبحث به چهار دسته تقسیم بندی شده است و سپس هر یک شرح می‌شود.

۲-۱- تشویق به تولید

قرآن پی در پی آمدن لیل و نهار را ایجاد زمینه برای حرکت و تولید به حساب می‌آورد. جمله لتبتغوا من فضله در آیات بسیاری تکرار شده است که این حرکت و تولید باعث رشد اقتصاد خواهد شد.

«وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳)؛ و یکی از رحمت‌های خداوند آن است که شب و روز را برایتان قرار داد تا آرامش یابید و از فضل او بهره گیرید. باشد که شکرگزار شوید.

آرامش شب، مقدمه تلاش روز است. «لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا» خداوند، بخشنده است، ولی انسان باید تلاش کند، چون شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است و آنچه بدست آوریم از فضل اوست، به زرنگی خود ننازیم، نعمت‌های مادی باید مقدمه شکر و کسب مراتب معنوی باشد. دنیا اگر وسیله رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نیست (قرآنتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۹۰). خداوند انسان‌ها را به امر تولید در روز وا داشته است، زیرا امروز از نظر علمی ثابت شده است که تمام دستگاه‌های بدن انسان در برابر نور فعال و سرزنده می‌شوند: گردش خون، دستگاه تنفس، حرکت قلب، و سایر دستگاه‌ها، و اگر نور بیش از اندازه بتابد، سلول‌ها خسته می‌شوند و نشاط جای خود را به فرسودگی می‌دهد. بر عکس، دستگاه‌های بدن در تاریکی شب در آرامش و آسایش عمیقی فرو می‌روند و در سایه آن تجدید قوا و نشاط می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۴۸).

۲-۱-۱- عوامل تولید

اقتصاددانان معمولاً عوامل مؤثر در تولید را به سه دسته تقسیم می‌کنند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳: ۲۹۷). ما نیز در اینجا برای بیان مطالب مربوط به تولید همین تقسیم‌بندی را ذکر می‌نماییم.

۲-۱-۱-۱- منابع خدادادی

یکی از عوامل تولید، بلکه منشأ اصلی آن منابعی می‌باشد که خداوند در طبیعت قرار داده است تا بشر به صورت‌های گوناگون از آنها استفاده ببرد. «وَسَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه: ۱۳)؛ و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی است. در این آیه تذکر می‌دهد که نه فقط دریاها برای نفع شما افراد بشر مسخر گردیده، بلکه آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین از کرات و ستارگان و سیارات موجود گردیده، همگی را برای پیدایش وجود بشر و تأمین معاش و آسایش آنان مسخر گردانیده و به حرکت درآورده و هر یک برای انجام کاری موظف گردیده‌اند (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۹۵). در صورت استفاده به جا از منابع طبیعی، اقتصاد یک سرزمین به آرامی به وضع مطلوبی خواهد رسید.

۲-۱-۱-۲- نیروی انسانی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تولید، نیروی انسانی است که باید مواد خام را به کمک فکر یا قدرت جسمی افراد تبدیل به کالاهای مورد نظر کند و در خدمت اقتصاد جامع قرار دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَائَنَا كَانُوا يِرْكَضُونَ فِيهَا وَيَطْلُبُونَهَا» (دفتر همکاری حوزه م دانشگاه، ۱۳۶۳: ۳۰۰). حدیث این را می‌رساند که انسان باید در هر دوره‌ای تلاش کند و از تلاش باز نایستد. بنابراین دین مبین اسلام آدمی را هر لحظه به تلاش بر می‌انگیزد چرا که توسعه یک ملت در دستان انسان‌های آن می‌باشد. در بخش نیروی انسانی سه عنوان اصلی ابعاد وجودی انسان، فطرت و سرشت انسان و خدا عناصر مهم جهان بینی قرآن کریم می‌باشند که ارتباط تنگاتنگی با تدوین نظریه‌های اقتصادی و نیز تنظیم رفتارهای اقتصادی دارند (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۲۸۹). چرا که بعد مادی در رابطه با اشتراکات انسان با حیوان مربوط دنیاست و بعد معنوی مربوط به نیازهای غیر مادی و مربوط به جهان آخرت است.

۲-۱-۱-۳- سرمایه گذاری

اگر انسان برای توسعه اقتصاد جامعه فقط بخواهد به منابع خدادادی تکیه کند، بهره برداری به پایین ترین سطح تقلیل پیدا می کند. بنابراین باید مقداری از نیروی کار انسانی به شکل های مختلفی سرمایه گذاری شوند.

در داستان حضرت یوسف از برنامه ریزی بلند مدت پانزده ساله در سرزمین مصر و تهیه عوامل تولید و به کارگیری آن در انباشت گندم درون انبارهای ساخته شده، سخن به میان آمده است. «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ... وَفِيهِ يَعْصِرُونَ» (یوسف: ۴۹-۴۷). گفت هفت سال پی در پی می کارید... و در آن آب میوه می گیرند.

۲-۲- فراوانی منابع دنیا

بر خلاف دیدگاه اقتصاددانان که منابع اقتصادی را محدود و آینده را تیره و تاریک می بینند، قرآن از منابع نامحدود سخن می گوید که در این جایگاه انسان زمانی می تواند به پیشرفت دست پیدا کند که کفران نعمت ننماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴). و از هر چیزی که از او تقاضا کردید و از نظر جسم و جان فرد و اجتماع و سعادت و خوشبختی به آن نیاز داشتید در اختیار شما قرار داد و به این ترتیب "اگر نعمت های الهی را بخواهید بشمرید، هرگز نمی توانید شماره کنید" اما با این همه لطف و رحمت الهی، باز این انسان ستمگر است و کفران کننده نعمت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۵۱).

نعمت هایی که اگر به درستی از آنها استفاده می کرد می توانست، سراسر جهان را گلستان کند و طرح مدینه فاضله را پیاده سازد، بر اثر سوء استفاده ها و ظلم ها و کفران نعمت ها به جایی رسیده است که افق زندگی ایشان را تاریک، و شاهد حیات را در کامش زهر جان گداز کرده، و انبوهی از مشکلات طاقت فرسا به صورت غل ها و زنجیرها بر دست و پایش نهاده است (همان). بنابراین هر چه در زندگی انسان مورد نیاز باشد، از جانب خداوند عطا شده است، ولی پاره ای از افراد بر اساس کفران نعمت موجب از دست دادن این نعمت ها می شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۸۶).

۲-۳- نفی سبیل کفار بر مسلمین تکلیفی در جهت توسعه اقتصادی

یکی از امور مسلم، بلکه ضروری دین اسلام، نفی سبیل و قطع راه‌های سلطه کفار و اجانب بر مسلمانان و جامعه اسلامی است. این تکلیف در قرآن به صورت خبر آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۰). نه به شکل جمله انشایی و امری.

در جای خود در اصول فقه (۵۳) ثابت شده که این گونه واجبات با اهمیت‌تر و مورد تأکید بیشتر شارع هستند. خداوند متعال در این آیه فرموده است که کفار راهی برای سلطه بر مسلمانان و جوامع اسلامی ندارند. اگر این آیه را به عنوان خبر تلقی کنیم، از آن کذب لازم می‌آید و تعالی الله عن ذلك. از این جهت، باید آیه را حمل بر جمله انشایی و امر نموده و قایل شویم به این که خداوند از این بیان می‌خواسته است یک تکلیف و امر مؤکد بر مسلمانان و حکومت اسلامی را بیان نماید که آنان باید تمام راه‌های تسلط کفار بر خود و جامعه خود را قطع و سد نمایند (خراسانی، ۱۴۱۲: ۹۲).

این امر آن قدر مورد تأکید خداوند است که تحقق آن به وسیله مسلمانان، مفروغ عنه گرفته شده و به صورت یک خبر القا شده است. فقها این اصل فرهنگ اسلامی را به صورت یک قاعده مهم فقهی در آورده و تحت عنوان «نفی سبیل» درباره آن و از جزئیات آن بحث می‌کنند و مبنای استنباط و اجتهاد بسیاری از احکام فرعی در موضوعات مختلفی در باب معاملات، روابط بین مسلم و غیرمسلم، اجرای حدود و مجازات‌ها قرار داده‌اند (بجنوردی، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۷).

جریان این قاعده در باب معاملات و مسائل اقتصادی دو ویژگی مهم نظام اقتصاد اسلامی را به دست می‌دهد، اول: استقلال اقتصادی نظام اسلامی و دوم: برتری نظام اقتصادی اسلام بر سایر نظام‌ها.

متأسفانه کشورهای اسلامی به خاطر عقب‌ماندگی از آیات قرآن و تعالیم اسلام هنوز نتوانسته‌اند این دو ویژگی را برای نظام اقتصادی خود دست و پا کنند.

بدون شک اقتصاد جوامع اسلامی یکی از راه‌های نفوذ و سلطه کفار است. از این رو، استقلال و برتری اقتصادی جامعه اسلامی یکی از مهمترین راه‌های نفی سبیل و قطع کانال نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین است. آنچه مسلم است استقلال و برتری اقتصادی

در گرو توسعه اقتصادی و برخورداری از نظام اقتصادی سالم و اکتفا به خود است، بر این اساس از قاعده نفی سیل و جوب توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی بر مسلمانان و حکومت اسلامی استنباط می‌گردد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۶).

۲-۴- تشویق به صنعت و تکنولوژی

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَنْطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ...» (انفال: ۶۰)؛ و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زمین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید. ولی افسوس که مسلمانان با داشتن یک چنین دستور صریح و روشنی گویا همه چیز را به دست فراموشی سپرده‌اند، نه از فراهم ساختن نیروهای معنوی و روانی برای مقابله دشمن در میان آنها خبری هست و نه از نیروهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و عجب این است که با این فراموشکاری بزرگ و پشت سر انداختن چنین دستور صریحی باز خود را مسلمان می‌دانیم و گناه عقب افتادگی خود را به گردن اسلام می‌افکنیم و می‌گوئیم اگر اسلام آیین پیشرفت و پیروزی است پس چرا ما مسلمان‌ها عقب افتاده‌ایم؟! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۳). حسینی همدانی درباره آیه شریفه می‌گوید: نیروی دفاعی و تجهیزات جنگی را بر حسب اقتضاء هر زمان باید آماده نمود و مراد از کلمه (رِبَاطِ الْخَيْلِ) اسب‌های تربیت شده و کنایه از تجهیزات جنگی بر حسب اقتضاء هر زمان است و قیام به آن از شئون حکومت اسلامی است که دارای شرایط و امکانات می‌باشد و از وظیفه افراد خارج است (حسینی همدانی، ج ۷: ۳۹۷). هر چند که ایمان به خدا و قوی بودن روحیه نقش تعیین کننده‌ای در جنگ مسلمانان با کفار داشت ولی نباید به نقشی که ابزار جنگی و سلاح‌ها در پیروزی دارد غافل بود. از این جهت است که قرآن کریم از یک طرف مسلمانان را به استواری و صبر و استقامت و توکل به خدا در میدان جنگ می‌خواند و از سوی دیگر آنها را به تهیه ساز و برگ نظامی و مسلح شدن به سلاح‌های روز دعوت می‌کند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۵۴۵).

۲-۴-۱- عملیات سدسازی با آهن و مس گداخته

عملیات سدسازی در ذیل آیات ۹۷-۹۴ سوره کهف بیان شده است. در این آیات اشاره به ساختن پلی از جنس آهن و مس شده است و این در حالی است که انسان امروزی، از این ابزار استفاده می‌کنند و این خداوند است که چنین قدرتی را به ذوالقرنین عطا نمود تا جنگ و ستیز میان دو قوم یاجوج و ماجوج را به پایان ببرد (ر. ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۹۹-۴۰۰). ساختن سد توسط ذوالقرنین و مراحل آن را در چند مرحله بیان شده است.

- ۱- جمع آوری قطعات آهن.
- ۲- چیدن آهن‌ها بر روی یکدیگر تا کاملاً میان دو کوه پوشانده شود.
- ۳- آوردن مواد آتش‌زا (هیضم و مانند آن) و آن را در دو طرف سد قرار دادن
- ۴- دمیدن در آتش تا قطعات آهن سرخ شوند.
- ۵- سرانجام ریختن مس ذوب شده بر روی سد (مکارم شیرازی، ج ۱۲: ۵۳۵).

۲-۴-۲- صنایع کشتی سازی و دریانوردی

«وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِاعْيُنِنَا وَ وَحْيِنَا وَ لَا تَخْطِبْنِي فِي الْذِّينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ» (هود: ۳۷). و زیر نظر ما و وحی ما کشتی را بساز، و درباره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرق شدنی‌اند. مراد از وحی دستور عملی درباره ساختن کشتی و چگونگی وصل کردن چوب‌ها و نیز درباره کوبیدن میخ‌ها است، که به طور محکم ساخته شود و با امواج خروشان طوفان که مدت زیادی به طول می‌انجامد، بتواند مقاومت نماید و وسیله رحمت و نجات سرنشینان آن از خطر غرق شدن گردد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۴۰۲). منظور از کلمه "اعیننا" (در برابر دیدگان ما) اشاره به این است که تمام تلاش‌ها و کوشش‌های تو در این زمینه در حضور ما است، بنابراین با فکر راحت به کار خویش ادامه ده، طبیعی است این احساس که خداوند حاضر و ناظر است و محافظ و مراقب می‌باشد به انسان هم توان و نیرو می‌بخشد، و هم احساس مسئولیت بیشتر! و از کلمه "وحینا" چنین بر می‌آید که نوح چگونگی ساختن کشتی را نیز از فرمان خدا می‌آموخت و باید

هم چنین باشد، زیرا نوح پیش خود نمی دانست ابعاد عظمت طوفان آینده چه اندازه است تا کشتی خود را متناسب با آن بسازد، و این وحی الهی بود که او را در انتخاب بهترین کیفیت‌ها یاری می کرد (مکارم شیرازی، ج ۹: ۹۰).

نتیجه

آنچه در این مقاله به دست می آید این است که قرآن راه کارهایی را که موجب توسعه اقتصادی می شود بیان نموده است که به دو دسته معنوی (مانند انفاق، تأثیر تقوی در توسعه اقتصادی، نفی سبیل کفار بر مسلمین) و اقتصادی (مانند توسعه اقتصادی، تشویق به صنعت و تکنولوژی و...) تقسیم بندی می شود. این بستگی به افراد جامعه دارد که با توجه به تفاسیر آیات که مفسران آنها را بررسی کرده اند و داشتن ایمان و اعتقاد به خدا و کتاب وحی بتوانند آنها را در زندگی و جامعه به کار گیرند تا در تمام مراحل زندگی به موفقیت دست پیدا کنند و این رشد و توسعه زمانی اتفاق می افتد که جوامع اسلامی متکی به خود باشند. لازمه این کار بی توجهی به استهزاء و تهدید کفار و غرب و ایمان به خداوند با توجه با آیات قرآن است. مسلمانان با وحدت و همکاری در زمینه های اقتصادی می توانند به پیشرفت دست پیدا کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۸۸). ترجمه محمد دشتی. قم: نشر نشتا.
 آخوند خراسانی. (۱۴۱۲). *کفایه الاصول*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). *لسان العرب*. چاپ سوم. قم: ادب الحوزه.
 بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
 بجنوردی، حسن. (بی تا). *القواعد الفقهیه*. قم: مکتبه بصیرتی.

- بهشتی، محمدباقر. (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی ایران*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- تفسیر هدایت*. (۱۳۷۷). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- تودارو، مایکل. (۱۳۷۰). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، تهران: بی‌نا.
- تقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸). *تفسیر روان جاوید*. چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۰). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ یازدهم. بی‌جا: گنج دانش.
- حراعلمی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *وسائل شیعیه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). *انوار درخشان*. تهران: کتاب فروشی.
- حکیمی محمد و حکیمی علی. (۱۳۸۶). *الحیاه*. ترجمه آرمان احمد. قم: نشر نگارش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۶۳). *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*. بی‌جا: سلمان فارسی.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۷). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران: انتشارات سمت.
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۸۴). *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*. چاپ دوم. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال. (۱۳۸۴). *فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی*. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- خوشنویس، جعفر. (بی‌تا). *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*. ترجمه مهدی انصاری. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
- دمایر، جرالسد. (بی‌تا). *مباحث اقتصاد توسعه*. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران: نشر نی.

- شایان مهر، علی رضا. (۱۳۷۷). *تطبیقی علوم اجتماعی*. تهران: بی نا.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۲). *الدروس الشرعیة*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طاهری، شهنام. (۱۳۷۸). *توسعه اقتصادی و برنامه ریزی*. بی جا: نشر هستان.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، عبد الحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم، انتشارات اسلام.
- غضنفری، علی. (۱۳۸۲). *ره رستگاری*. قم: انتشارات لاهیجی. چاپ اول.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیه.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *احسن الحدیث*. چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). *حلیه المتقین*. چاپ سوم، تهران: نشر اسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی اصفهانی، جمال الدین. (۱۳۶۸). *پیام‌های اقتصادی قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مهیار، رضا. (بی تا). *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*. بی جا: بی نا.
- نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸). *تفسیر آسان*. تهران: انتشارات اسلامی.
- نظری سهراب و موسوی حبیب. (۱۳۷۸). *توسعه اقتصادی و برنامه ریزی*. تهران: نشر روشن.

هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۷). *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان بینی قرآن کریم*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Friedmann, G. (1972). *Center in Regional Economic Development*. Edited by N. M. Hansen.

Gunnar, M. (1975). *The Stream, Critical Essays ON Economics*. London: the Macmilan press.

Kahf, M. (1973). *A Contribution to the Study of the Economic of Islam*. Utah: USA Univ of Utoh, S. L. C.